

گزارشی کوتاه از پرورش بز کرکی راینی در شهرستان بافت

و ایستگاه اصلاح نژاد و پرورش بز کرکی در بافت

تألیف: مهندس مهدی حاجی محمدی کارشناس و مسئول ایستگاه بز کرکی شهرستان بافت

الف) گزارشی کوتاه از پرورش بز کرکی راینی در شهرستان بافت:

وضعیت جغرافیائی بافت:

شهرستان بافت با مساحتی در حدود ۱۲۰۳۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران و در جنوب غربی استان کرمان قرار گرفته و ۲۲۷۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد، از شمال به شهرستان بردسیر از شرق به شهرستانهای جیرفت و بم، از جنوب به استان هرمزگان و از غرب به شهرستان سیرجان محدود میشود. فاصله آن از مرکز استان در حدود ۱۶۰ کیلومتر با جاده‌ای آسفالتی می باشد.

شهرستان بافت از نظر آب و هوایی از دو منطقه کاملاً متفاوت و متمایز تشکیل شده است، بنحویکه در شمال و مرکز شهرستان با آب و هوایی ییلاقی و کوهستانی که حوزه آبخیز سد هلیل جیرفت می باشد و عمده آب سد هلیل از این مناطق سرچشمه می گیرد و در جنوب با آب و هوایی مخصوص مناطق گرمسیر که جزو مناطق قشلاقی محسوب شده و دارای درختان مرکبات و باغات نخل می باشد و در فاصله ۵۰ کیلومتری جاده بندرعباس سیرجان واقع شده است. در کوهستانهای بعضی نواحی جنگلهای نسبتاً انبوه وجود داشته و می توان با راحتی درختان اورس را مشاهده نمود.

درجه حرارت شهرستان بافت در طول سال بین ۱۰- و ۳۵+ درجه سانتی گراد متغیر بوده و میزان بارندگی در این شهرستان در نواحی کوهستانی ۳۲۰ میلی متر و در مناطق دشت و هموار ۱۸۰ میلی متر در سال می باشد.

جمعیت بز در شهرستان بافت:

در شهرستان بافت در حدود ۸۵۰۰۰۰ رأس بز موجود بوده که نسبت به سایر شهرستانهای استان در مقام اول قرار دارد.

یا مخلوطی از رنگ‌های فوق به صورت ابلق و یا ابرش دیده می شود. بینی کمی برجسته و پوزه باریک و گوشها در اندازه‌های بلند، متوسط، کوتاه و خیلی کوتاه دیده می شود و عرض گوشها با بلندی نسبت مستقیم و با ضخامت نسبت عکس دارد بدین ترتیب هرچه گوشها بلندتر می شود عرض آن زیادتر و نازکتر شده و بعکس هرچه گوش کوتاه‌تر شود از عرض آن کاسته و بر ضخامت آن افزوده می شود.

شاخ در اکثر بزها دیده می شود و در بزهای ماده شاخ ظریف و باریک و نسبتاً ساده بوده و در جنس نر شاخ قوی و تا حدودی حول یک محور مستقیم پیچیده و دارای ضخامت خاصی بوده به نحوی که با راحتی می توان از روی شاخ به نر و یا ماده بودن بز و بزغاله پی برد و در بعضی موارد بزهای وجود دارند که فاقد شاخ بوده البته تعداد آنها کم بوده و در عوام بنام حیل و یا کل^(۲) معروف می باشد. سر نسبت به بدن دام از مقدار کمتری کرک موی پوشیده شده. گردن نسبتاً کوتاه تا متوسط با رشد عضلانی متوسط بوده و دارای پوشش کرک و موی می باشد و در زمان کرک دهی^(۱) (جداسازی کرک و موی از بدن) کرک موی گردن زودتر از بقیه نواحی بدن شروع به ریزش می نماید.

سینه دارای عمق کم و پشت مسطح و شکم بالا کشیده و حیوان چابک و تند بوده و دست و پاها باریک و نسبتاً بلند با عضلاتی قوی و محکم و کم حجم دیده می شود.

پستان در بز به فرم تیغی و نرم و کشیده و نسبتاً غیر عضلانی و دارای پوست نازک می باشد که در مواقع شیردهی گاهی بزرگ سرخ ملایم دیده شده.

پوشش ظاهری:

پوشش ظاهری بز از کرک و موی پوشیده شده است که نسبت کرک به موی در بزهای مختلف متفاوت بوده و از نظر ساختمانی کرک و موی شبیه به هم بوده و وزن مخصوص موی خیلی بیشتر از وزن مخصوص کرک می باشد. علیرغم یکسان بودن ساختمان کرک و موی، کرک بسیار ظریفتر از موی بوده و اندازه حجم کانال مد و لای کرک بسیار زیاد بوده و گاهی تا ۹۰٪ حجم تار کرک را در برمی گیرد و به همین جهت عایق بسیار خوبی در مقابل حرارت و سرما می باشد. رشته تارهای کرک دارای قابلیت کشش و نرمش خاصی بوده‌اند که در زیر موی و روی بدن روئیده و دارای ارزش اقتصادی خیلی بیشتری نسبت به موی می باشد.

پروراندگی در بز رواج نداشته و اصولاً بز، پرورش در چرای آزاد را به زندگی در محیط بسته ترجیح میدهد. پرورش دهندگان آن در بافت آنرا بیشتر به جهت استفاده از کرک و موی، شیر و گوشت پرورش میدهند و نکته جالب توجه این است که با توجه به کوهستانی بودن مناطق مورد پرورش نمی توان از گوسفند بجای آن در چرای کوهستان استفاده نمود.

تولید شیر:

میزان تولید شیر در بز بسته به محل پرورش (ساکن،

پرورش دهندگان اصلی بز کرکی راینی در بهار و تابستان (زمان ییلاق) بیشتر در مناطق کوهستانی پشت کوه خیر پشت کوه گوشک، گذار زر آب، اطراف ده سرد، گذار مزار و سه چاه بسر می برند و در پائیز و زمستان (زمان قشلاق) در گذار رهدار بندرعباس، رودان، اطراف گوشک و حاجی آباد بندرعباس بسر برده و اکثراً چرا در مناطق کوهستانی رابر مناطق هموار و دشت ترجیح داده و در زمان ییلاق و قشلاق در آب و هوایی نسبتاً خنک و تا حدی سرد زندگی می کنند.

در مورد محل زندگی سایر پرورش دهندگان بز کرکی می توان گفت که در بهار و تابستان (زمان ییلاق) اطراف کوههای لاله‌زار، منطقه رابر، گوغر، کیسکان، اطراف شهر بافت، دشت آب، قلعه عسگر زندگی می کنند که دارای آب و هوایی مخصوص مناطق کوهستانی بوده و در پائیز و زمستان (زمان قشلاق) به مناطق حاجی آباد، وکیل آباد، (اورزویی - دق علی چان، صوغان، دولت آباد، اسفندقه، زهمکان، کهنوج، گلاشکرد و کلوک گاد کوچ نموده که در زمستان آب و هوایی ملایم دارد.

خصوصیات ظاهری بز:

نژاد غالب و بومی بز در شهرستان بافت بز کرکی راینی بوده که می توان گفت بز کرکی راینی بصورت خالص با جمعیت بالائی در این شهرستان مشاهده نمود.

بز حیوانی است زرنگ، چابک، تند و تیز و در گله‌های مخلوط با گوسفند. معمولاً در جلوی گله حرکت می کند و به اصطلاح جلودار بوده و با دست گرفتن آن مشکل بوده و جهت گرفتن آن معمولاً از کلک^(۱) استفاده می شود چرانیدن گله‌های بزغاله مهارت خاصی نیاز دارد و به حوصله و صبر محتاج است چرا که بزغاله حیوانی بازی‌گوش و چست و چالاک می باشد.

بز دارای سری متوسط، حدقه چشم مسطح و با برجستگی بسیار کم و برنگهای سفید، قهوه‌ای، سیاه و

نیمه ساکن و عشایر کوچ‌رو) فرق می‌کند و با توجه به امکان تغذیه دستی و بالا بودن کیفیت علوفه در پرورش به طریقه ساکن و نیمه ساکن میزان تولید شیر بیشتر از عشایر کوچ‌رو می‌باشد ولی هزینه تولید شیر در عشایر کوچ‌رو کمتر از پرورش بطریقه ساکن و نیمه ساکن می‌باشد و تولید شیر روزانه بطور متوسط در عشایر کوچ‌رو ۳۰۰ گرم و در دامهای ساکن و نیمه ساکن ۳۵۰ گرم در روز می‌باشد.

مدت زمان شیردهی بز بستگی کاملی به نحوه نگهداری و پرورش بز دارد. به این نحو که در عشایر کوچ‌رو مدت تغذیه بزغاله از شیر مادر زیادتر از بزغاله‌های پرورش یافته در عشایر نیمه کوچ‌رو (نیمه ساکن) یا ساکن می‌باشد. که این مدت در عشایر کوچ‌رو به حدود ۳ ماه می‌رسد و مدت ۳ ماه (در سالهاییکه بارندگی مطلوب و مراتع غنی باشند این مدت به ۴ ماه نیز می‌رسد). دوشش شیر با دست انجام شده و شیر به مصرف تغذیه انسان می‌رسد (۳).

در پرورش بز در عشایر نیمه کوچ‌رو (نیمه ساکن) و ساکن به لحاظ امکان تغذیه دستی، مدت زمان مصرف شیر توسط بزغاله‌ها حدود ۲-۳ ماه و مدت دوشش با دست به حدود ۴ ماه می‌رسد که مسلماً شیر تولیدی دامهای ساکن به لحاظ مقدار و مدت بیشتر دوشش زیادتر خواهد بود.

وزن بز:

متوسط وزن زنده در بز نر ۳۵ کیلوگرم و در بز ماده ۳۰ کیلوگرم می‌باشد و ظریب لاشه در حدود ۴۰٪ بوده و متوسط تولید لاشه در بز در حدود ۱۲ کیلوگرم می‌باشد. دامداران در حدود ۲۰٪ از بزهای خود را به جهت تأمین درآمد برای تهیه علوفه زمستانی و غیره حذف و به بازار فروش روانه می‌کنند که این درصد حذف بستگی کاملی به میزان بارندگی و خشکسالی دارد و در سالهای خشک این درصد افزایش و در سالهای با بارندگی خوب کاهش می‌یابد.

میزان تولید کرک و موی:

میزان تولید کرک و موی در بز بستگی کاملی به نحوه پرورش، محل پرورش و درجه حرارت محل زندگی دارد. به نحوی که هرچه از ارتفاعات بسوی دشت‌ها روانه شویم از میزان تولید کرک و موی و میزان درصد کرک به موی کاسته شده و از ظرافت کرک نیز کاسته می‌شود به نحوی که چنانچه بز کرکی را چندین سال متوالی در مناطق گرم پرورش دهیم از مقدار کرک آن به لحاظ تطابق با شرایط آب و هوای کاسته می‌شود. به همین جهت است که در مناطق گرمسیر، بزها اکثراً موئی و مقدار کرک روی بدن بسیار ناچیز می‌باشد.

برعکس هرچه بسوی مناطق کوهستانی پیش برویم و بسوی ارتفاعات صعود نماییم، بر میزان کرک و موی و درصد کرک افزوده شده و نقاط بیشتری از بدن بز از کرک و موی پوشیده و بر ظرافت آن افزوده می‌شود. با همه این احوال میزان تولید کرک و موی در بزهای شهرستان بافت در حدود ۴۰۰ گرم بوده، این در حالی است که

متوسط تولید کرک و موی در بز کرکی نژاد رائینی در حدود ۵۰۰ گرم می‌باشد. همانطوریکه قبلاً توضیح داده شد، درصد کرک و موی بستگی کامل به نحوه پرورش دارد و میزان درصد کرک خالص در نزد بزهای کرکی رائینی خیلی بیشتر از سایر بزها بوده و در حدود ۴۰٪ کرک و ۵۰٪ موی و ۱۰٪ آفت (۴) برای بزهای رائینی خالص و ۳۵٪ کرک و ۵۵-۵۰٪ موی و ۱۵-۱۰٪ آفت برای سایر بزها در شهرستان بافت می‌باشد.

با توضیحات فوق نتیجه گرفته می‌شود که بزهای کرکی رائینی نه تنها وزن کرک و موی بیشتری دارند بلکه درصد کرک و ظرافت بیشتری را در مقایسه با سایر بزهای منطقه دارند، در نتیجه ارزش اقتصادی بالائی دارند. از موی بز جهت تهیه خیمه، فرش و طناب و از کرک آن در تولید پوشاک استفاده می‌شود.

تغذیه:

بز یکی از دامهای بسیار قانع بوده که با کمترین غذا از نظر کیفی و کمی می‌سازد و محصول تولید می‌کند. و در مقایسه با سایر نشخوارکنندگان می‌تواند از مواد خشبی و علوفه‌های با کیفیت پایین تغذیه نموده و مایحتاج خود را برطرف کند و به همین ترتیب فلور میکروبی شکم بز نیز توسعه یافته و نسبت به گوسفند حساسیت کمتری نسبت به فقر پروتئینی دارد. این مطلب را می‌توان با بازگشت بیشتر اوره به شکمبه توجیه نمود (۵).

بز یکی از دامهایی است که در خشکسالی نیز مقاومت نموده و بسته به نوع و نژاد، آنرا جهت تهیه شیر، گوشت و کرک نگهداری می‌کنند. در شهرستان بافت بز عموماً از تغذیه مرتعی استفاده می‌کند. اصولاً بز حیوانی است که در چرا پرورش می‌یابد و چنانچه بز را در آغل بسته پرورش دهند با روحیه بز سازگار نیست و دام خود را راحت ندیده و بنابراین بهترین روش پرورش بز چرا و تغذیه در حین چرا می‌باشد. بز نقاط کوهستانی و مرتفع را به نقاط پست ترجیح داده به نحوی که در روستاها و در باغها بر روی دیوارها و پشت‌بام‌ها رفته و از برگ درختان تغذیه می‌نماید و در چرای کوهستان محل چرا و حرکت بز به نحوی است که گوسفند قادر به حرکت و چرا در آن نقاط نمی‌باشد و بز جهت استفاده از شاخ و برگ درختان روی دو پای خود بلند شده و با دستان خود شاخهای درختان را پائین کشیده و تغذیه می‌نماید و به همین ترتیب بهتر از گوسفند از دانه‌های درختان جنگلی و به نحو بسیار خوبی استفاده می‌کند.

جفتگیری:

در زمان جفتگیری، بزهای نر را چندین هفته قبل از جفتگیری از گله جدا نموده و اقدام به تغذیه دستی نموده و جفتگیری در مرتع و در حین چرا انجام می‌شود. بدیهی است خشکسالی و کمبود علوفه روی حاصل جفتگیری اثرات نامطلوب دارد. زمان جفتگیری در بز از اواخر خرداد ماه تا اواخر مرداد ماه

بسته به نحوه پرورش، محل بیلاق و محل قشلاق متغیر بوده به این نحو که هرچه مناطق مورد پرورش بز در بیلاق و قشلاق مرتفع‌تر باشد زمان جفتگیری دیرتر بوده و هرچه مناطق مورد پرورش و قشلاق پست‌تر باشد زمان جفتگیری زودتر انجام می‌شود.

دوباره زائی در بز رائینی در صورتیکه از تغذیه مطلوب برخوردار باشد یا اینکه بارندگی کافی و مراتع در شرایط خوبی باشد، در سال دو نوبت جفتگیری انجام و دو نوبت زایش پدید می‌آید بدین نحو که زایش اول در آبان و زایش دوم در خرداد ماه انجام می‌گردد.

بز نر در زمان جفتگیری بسیار مغرور بوده و روی زمین با کبر و غرور خاصی حرکت می‌کند و بزهای نر را به مبارزه می‌طلبد و با آنها به جدال و جنگ می‌پردازد حتی در بعضی موارد به انسان حمله می‌کند.

ب) ایستگاه اصلاح نژاد و پرورش بز کرکی شهرستان بافت:

ایستگاه اصلاح نژاد و پرورش بز کرکی بافت در سال ۱۳۴۲ اقدام به احداث ساختمان و تأسیسات نمود و در اواخر ۱۳۴۴ با ورود ۱۷۰ رأس بز شامل ۱۲۰ رأس بز ماده، ۸ رأس بز نر و ۴۲ رأس بزغاله عملاً کار خود را شروع نمود.

تا آنجا که از شواهد و قرائن برمی‌آید ایستگاه بز کرکی بافت اولین مرکز بررسی و اصلاح نژاد بز در منطقه می‌باشد. اهمیت ایستگاه بز کرکی بافت نه تنها بدلیل اولین ایستگاه از نوع خود بودن است، بلکه بواسطه اثرات بزرگ اقتصادی آن در توسعه اصلاح نژاد در دامداری‌های منطقه و بالا بردن سطح آگاهی و درآمد دامداران می‌باشد. بطور کلی می‌توان اهداف اصلی و اساسی تأسیس ایستگاه را بشرح ذیل دسته‌بندی نمود:

- ۱- ایجاد يك بانك ژن.
- ۲- تعیین وراثت پذیری صفات در بز.
- ۳- بررسی اثر پذیری ژن‌های اصلاح شده در گله‌های دامداران در منطقه.
- ۴- اصلاح نژاد بز کرکی و توسعه و بهبود صفات اقتصادی آن از نظر کیفی و کمی.
- ۵- تعیین همبستگی بین صفات موجود در بز.
- ۶- نگهداری بز نژاد کرکی در شرایط حاضر منطقه با سیستم تغذیه مرتعی و ایجاد يك هسته مرکزی بمنظور جلوگیری و اختلاط نژاد این دام با بزهای معمولی و جلوگیری از دژ نره شدن آن.
- ۷- تهیه و پرورش و توزیع بزهای نر اصیل و اصلاح شده بین دامداران علاقه‌مند منطقه (بعد از چندین نسل سلکسیون و بالا رفتن صفات اقتصادی و نژادی آن بطوریکه بطور قابل توجهی برتر از گله‌های بومی باشد) بمنظور توسعه صفات اقتصادی و بالا بردن تولید گله‌های مردم و در نتیجه افزایش سطح درآمد دامداران.
- ۸- مطالعه و بررسی تحقیقاتی روی صفات نژادی دام در ضمن عمل اصلاح نژاد بمنظور شناسایی دقیق شرایط زندگی عمومی محل پرورش این دام در منطقه و بررسی خواص نژادی و وراثتی آن.

حیوانات آزمایشگاهی بمنزله

Littfield از دانشگاه هاروارد روش جدیدی برای جدا کردن سلولهای هیبرید ارائه نمود. او دو سلول والدی بوجود آورد که هرکدام بعلت فقدان آنزیم مشخصی نمی توانستند در حضور Aminopterin رشد نمایند، ولی سلول هیبرید بعلت تکمیل نقیصه یکدیگر و ادغام کروموزومی میتوانستند به رشد خود ادامه دهند. در این روش هر سلول والد آنزیمی را تهیه میکرد که دیگری فاقد آن بود. در نتیجه محیط انتخابی Littfield باعث میشد که سلولهای والدین از بین رفته و سلولهای هیبرید زنده بمانند. برآورد این دانشمندان نشان میداد که از دویست هزار سلول والدین يك سلول هیبرید بوجود میآید. این روش چون سایر تحقیقات در سالهای بعد دستخوش تغییراتی شد. بدین طریق که Richard L. Davidson توانست محیط نیمه انتخابی (halfselective) تهیه نماید بطوریکه یکی از سلولهای والد در این محیط از بین رفته و سلول دیگری که از نظر ژنتیکی متعارفی بوده به تزیاید خود ادامه میداد. با پیشرفت کار در جهت تولید سلولهای هیبرید از سلولهای موش- موش، موش- رات، موش- هامستر و بالاخره موش- انسان استفاده گردید. تحقیقات مختلف نشان داد که سلولهای هیبرید در اثر کشت های متوالی تعدادی از کروموزومهای خود را از دست میدادند که در مراحل اول از حد ۲۰ درصد کل کروموزومهای رات و در هیبرید سلولهای موش- هامستر کروموزومهای موش تحلیل پیدا میکردند.

در سال ۱۹۶۷ Howard Green از دانشگاه نیویورک موفق شد سلول هیبریدی از آمیخته سلول موش- انسان بوجود آورد. این سلول بیشتر به سلول موش شباهت داشت تا به سلول انسان. پس از بررسیهای مقدماتی مشخص گردید که سلول هیبرید جدید دارای تمام کروموزومهای موش بوده و فقط در حدود ۱۵-۲۰ عدد کروموزومهای انسانی را دارا میباشد. Y. okada از دانشگاه اوزاکا در مطالعات خود اشاره به شدت چسبندگی این سلولها در اثر ویروس Sendi Strain of Parainfluenza virus مینماید. Henry Harris از دانشگاه آکسفورد با توجه به گزارشات فوق‌الذکر ویروس تخفیف حدت یافته در اثر اشعه ماوراء بنفش در جهت چسبندگی سلولها استفاده نمود. با بکارگیری این روش در محیط کشت، غول سلولهایی که دارای ۱۰-۲۰ هسته بودند، بوجود آمدند و بعلت دارا بودن هسته با منشاء سلولهای مختلف، به آنها ناجور هسته یا Heteroka-ryon گفته میشد. در بعضی از سلولها، هسته‌ها درهم آمیخته شده و يك هیبرید بوجود میآورند که این هیبریدها پس از چند تقسیم متوالی از بین می‌رفتند.

حیوانات آزمایشگاهی Transgenic تحت آزمایش، مبدل به کارخانجات زیروح تولیدکننده دارو و آنزیم های اختصاصی گشته‌اند که در آینده نزدیک اساس کارخانجات دارویی را تشکیل خواهند داد.

مؤسسات تحقیقاتی و تولیدی مختلفی توانسته‌اند با انتقال ژن مناسب از انسان به موش این حیوان «دگر» شده را در جهت ترشح ماده موردنظر بکار گیرند. اساس و پایه این تحقیقات در سالهای گذشته بوسیله George Barski از انستیتو Gustave Roussy پاریس که توانست برای اولین بار از سلولهای مختلف Somatic يك سلول هیبرید بوجود آورد، گذاشته شد. Barski و همکاران او دو نوع سلول سرطان موش را که از نظر مرفولوژی با یکدیگر اختلاف داشتند و در يك محیط کشت از هم قابل تفریق و از نظر شکل ظاهری بعضی از کروموزومها از هم متمایز بودند در يك محیط کشت بازتزیاد آنها پرداختند و بعد از مدتی مشاهده کردند که سلولهای جدید با يك هسته که دارای کروموزومهای هر دو والدین بودند ظاهر شدند. آقای Barski با پیگیری موضوع توانست لاینهای سلولی خالصی از چنین هیبریدهایی بوجود آورد که دارای دو خاصیت مهم بودند:

- ۱- کروموزومهای هر دو دسته والدین موجود در هسته سلول هیبرید فعال و دارای خصوصیات والدین بودند.
- ۲- با تزیاید سلول هیبرید در محیط کشت، هسته سلول یادشده به مرور تعدادی از کروموزومهای یکی از والدین را از دست میداد. هر يك از این سلولهای خالص هیبرید دارای يك Marker بوده که جهت شناسائی سلولها مورد استفاده قرار میگرفت. با بکارگیری این روش مطالعه ژنتیکی جانداران، مخصوصاً پستانداران عالی که در روند زاد و ولد متعارفی مشکل و یا غیرممکن مینمود، آسان گردید. با در نظر گرفتن دوره تکثیر سلولها که در حدود ۲۴-۱۲ ساعت بوده و با مقایسه آن با زمان زاد و ولد موجودات جاندار، میتوان با افزایش سرعت تحقیقات و دستیابی به ناشناخته‌های علمی پی برد.

اصول کلی تولید سلول هیبرید همان کشت بافت بوده که با تعیین Marker سلول را خالص کرده و با رنگ آمیزی کروموزومی با استفاده از اضافه کردن Col-chicine به محیط جهت بدست آوردن سلولها در مرحله متافاز، سلولهای هیبرید را مورد مطالعه قرار میدهند. در این مرحله سلولهای والدین فراوانی وجود خواهند داشت که مرحله متافاز را نشان میدهند ولی با در نظر گرفتن شکل و تعداد کروموزومها میتوان آنها را از سلول هیبرید تمیز داد.

با ادامه این تحقیقات در سال ۱۹۶۴ John W.

ایستگاه بز کرکی بافت بعد از ۲۵ سال انجام عملیات اصلاح نژادی در پی اهداف فوق به نتایج جالب توجهی رسیده است به نحوی که ظرافت کرک سفید و یکدست ایستگاه در حدود ۱۶ میکرون بوده که در مقایسه با گله‌های منطقه که پرورش دهندگان اصلی این دام می‌باشند، بسیار کم بوده و از ظرافت بالائی برخوردار می‌باشد که نشان دهنده موفقیت عملیات اصلاح نژادی انجام شده در این ایستگاه با امکانات بسیار کم و محدود بوده است:

میزان متوسط کرک و موی تولیدی بزهای نر(۶) ایستگاه در حدود ۶۰۰ گرم و بزهای ماده در حدود ۵۵۰ گرم می‌باشد. متوسط درصد کرک بزهای ایستگاه در حدود ۶۵.۷۰ و متوسط موی ۱۵.۲۰ و متوسط افت(۷) در حدود ۱۵-۱۰ درصد است. این در حالی است که بزهای موجود در ایستگاه تماماً سفید و کاملاً کرکی می‌باشند.

کادر موجود در ایستگاه دامپروری بافت در حال حاضر (تیرماه ۱۳۷۰) شامل يك نفر کارشناس، يك نفر تکنسین نیمه وقت (تکنسین تلقیح مصنوعی) ۵ نفر پرستار دام، دو نفر راننده و يك نفر انباردار می‌باشد و بدلیل محرومیت منطقه و مسائل ناشی از آن کمتر کسی رغبت به سکونت در شهر بافت را دارد.

در مقایسه اجمالی درصد کرک بزهای ایستگاه و گله‌های مردم، به فعالیت ایستگاه و اهمیت وجودی ایستگاه می‌توان پی برد. چرا که کرک در بزهای عشایر حدود ۳۵.۴۰ درصد است این در حالی است که درصد کرک در بزهای ایستگاه رقمی معادل ۶۵.۷۰ درصد را نشان میدهد. ۳۰٪ اختلاف ناشی از انجام ۲۵ سال عملیات اصلاح نژادی است که روی صفات اقتصادی این دام در ایستگاه بز کرکی بافت با حداقل امکانات انجام شده است. □

باورفی:

- ۱- کلک و با کلاک چوبی است بلند که معمولاً چوپانان به‌همراه دارند که سر آن ساده و سر دیگر آن بصورت قلاب بزرگ آن با زاویه تند برگشته که جهت گرفتن بز قلاب آنرا به نحوی زیر شکم بز می‌برند که پای بز در قلاب گیر می‌کند.
- ۲- با شروع بهار و رشد علف‌های سبز و بالا رفتن کیفیت تغذیه بتدریج کرک و موی از بدن بز جدا شده به نحوی که چنانچه اقدام به چیدن کرک و موی نمائید در عرض چندین هفته کرک و موی ریخته و به جای آن کرک و موی جدیدی (محصول سال آتی) رشد می‌نماید.
- ۳- با توجه به بُعد مسافت محل دوشش شیر و بازار مصرف، اکثراً مصرف شیر در دامهای عشایر بصورت فرآورده‌های آن بوده بدین ترتیب در اوایل شیردهی شیر تولیدی بعد از تبدیل به ماست از آن کره و بعد از آن کشک و سپس قره‌قروت گرفته می‌شود و در اواخر دوره شیردهی شیر دوشیده شده به پنیر تبدیل می‌شود.
- ۴- درصد اُفت که ناشی از مواد زائد همراه با کرک و موی بز می‌باشد بستگی مستقیمی با نحوه پرورش آن دارد. بدین ترتیب در بزهای عشایر کوچ‌رو مواد زائد به لحاظ وضعیت محل چرا کمتر از بزهای موجود در گله‌های عشایر نیمه کوچ‌رو و ساکن می‌باشد.
- ۵- فصلنامه کشاورزی و دام شماره ۱۰ سال سوم بهار ۷۰ صفحه ۱۱۶
- ۶- براساس نمونه‌های برداشت شده توسط نگارنده در سال ۱۳۶۲ و انجام عملیات جدا سازی کرک و موی در تعدادی این بزهای ایستگاه ارقام فوق ذکر شده.
- ۷- بالا بودن اُفت ناشی از نحوه پرورش و نگهداری در ایستگاه در شرایط نگهداری در آغل و در زمستان می‌باشد.